

کیهان

در مطلب پیش‌رو نویسنده به یکی از اهداف مهم قیام امام حسین(ع) یعنی امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و درباره مبارزه امام با زمامداری پیشسوای فاسدی چون یزید که علناً در صدد حذف نمادهای اسلام راستین و بی‌محتوا کردن آن بود سخن گفته است.

عکلمرّد حذفی منافقان به‌عنوان دشمنان داخلی امت اسلام

از نظر آموزه‌های قرآن، بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین دشمنانان اسلام منافقان داخلی هستند که با پوسته اسلام به دنبال حذف محتوای آن بوده‌اند. فتنه‌ای بزرگ که جز با هوشیاری و بصیرت امت و اسام نمی‌توان از آن عبور کرد؛ زیرا هدف منافقان حذف اشخاص و مومنان باقی نل بود، بلکه هدف اصلی آنان، حذف اسلام و بازگشت به نظام مشرکانه و کافرانسه جاهلی بود تا حکومت جاهلی به جای حکومت اسلامی بنشیند و سبک زندگی جاهلی جایگزین سبک زندگی اسلامی‌شود تا این‌گونه بتوانند همان پوشش جاهلی و رفتار جاهلی را در زندگی داشته باشند و از محدودیت‌های شریعت، خود را برهانند.(توبه،آیه ۴۹، مائده، آیه ۵۰، احزاب، آیه ۳۳، فتح، آیه ۲۶)

شکی نیست که نظام جاهلی که منافقان دنبال احیای آن بودند، با حذف اسلام واقعی و پوشیدن پوستینه به شکل وارونه اتقاق می‌افتد که در آن اسلام تنها اسم و رسمی بیش نیست، اما در نظام اجتماعی و سیاسی هیچ جایگاهی ندارد. نظام جاهلی بر آن بود تا به جای حکومت اسلامی، حکومتی جایگزین شود که فلسفه و سبک زندگی جامعه، حکومتی واقع‌گامه کند و فلسفه و سبک زندگی اسلام ازاندیشه و افکار و رفتار مردم حذف شود.(همان)

قرآن از همان زمان آغاز تشکیل دولت مدنی اسلام به مومنان و رهبران هشدار می‌دهد که مراقب توطئه‌های منافقان و فتنه‌گری‌های آنان باشند. براساس گزارش‌های قرآنی مهم‌ترین هدف آنان حذف پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) از جایگاه رهبری و تقلیل آنان به ساحت اخروی و ابعاد شخصی زندگی است. از این رو مخالفت‌های آنان با پیامبر(ص) به ساحت اجتماعی و سیاسی باز می‌گشت و انواع کارشکنی را داشتند تا این بخش از اسلام از ساحت نظام ولایی مدنی حذف شود.

خدا در قرآن بیان می‌کند که انعام نعمت اسلام و اکمال دین تنها در سایه پذیرش و بقای ولایت الهی است که مسئولیت الهی رهبری امت را به عهده‌دارد. (مائده، آیات ۳ و ۵۵ و ۶۷) بنابراین، دشمنان به‌ویژه منافقان بر آن بودند تا با حذف امر مهم ولایت از نظام مدنی اسلام، در عمل اسلام را از حضور واقعی در زندگی مردمان حذف کنند و این‌گونه اسلامی بی‌محتوا و ظاهری را در میان مردمان ترویج دهند. بر اساس گزارش‌های تفسیری چنین امری پس از پیامبر(ص) اتفاق افتاد و در سقیفه بنی ساعده همان اسلام نفاق قدرت یافت. این‌گونه است که امیرمومنان علی(ع) که به نصوص متواتر الهی – قرآنی و روایی برای ولایت امرالمسلمین نصب شده بود، کنار گذاشته می‌شود و اسلام ولایی جای خود را به اسلام غیر ولایی می‌دهد و دین از تمامیت و کمال می‌افتد؛ زیرا اگر با ولایت امام علی(ع) امامت و اکمال دین اتفاق می‌افتد، با حذف آن دین گرفتار عیب و نقص می‌شود و از تمامیت و کمالیت ساقط می‌شود.

قیام ابعادالله و شه‌هادت آن حضرت(ع) واصحاب و یارانش موجب شد تا یزید نتواند به هدف خویش برسد و شهادت امام، امت را متوجه کرد که خطر عظیمی اسلام را تهدید می‌کند؛ زیرا سید شباب اهل‌الجنه به شهادت می‌رسد و کسی که او را به شهادت رسانیده است، دولت یزیدی است که دنبال حذف اسلام به‌طور کامل است. از همین رو قیام‌های دیگر رخ می‌دهد تا اجازه داده نشود شهادتین حذف و اسلام به‌طور کامل از جهان حذف شود.

این‌گونه است که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انحراف در اسلام رخ می‌دهد و اسلامی ناقص و معیوب جایگزین اسلام تمام و کامل می‌شود؛ زیرا اسلام بی‌ولایت مولی الموحدین، اسلام ناقص و معیوب به نص قرآنی است.(مائده، آیه ۳) بنابراین، می‌توان گفت که خطرناک‌ترین دشمنان توانستند به هدف خویش برسند و «فساد» را با تحریف مفهوم ولایت و حذف مولی الموحدین(ع) در اسلام ایجاد کنند. این فساد در شکل عملی به افساد به ساحت گوناگون کشیده می‌شود و مفسدان منکر بر اریکه قدرت تکیه می‌زنند و فلسفه و سبک زندگی اسلامی را تغییر می‌دهند تا جایی که امت اسلام نیز به فساد کشیده می‌شوند و در یک دوره چند ساله،اسلامی دیگر جایگزین اسلام قرآنی ولایی می‌شود که منافقان آن را تعریف کرده بودند.

عاشورا، محصول اسارت دین

دین اسلام زمانی که در دست صالحان و عترت طاهره(ع) باشد، دینی آزاد است و می‌تواند راهنمای مردم به سوی سعادت دنیا و آخرت باشد؛ اما همین دین اسلام با همه عظمتش وقتی در دست اشرار و انسان‌های شرور افتاد که اهل نفاق و دروپی هستند، ابزاری برای هوسرانی‌های حاکم می‌شود که به نام دین، به غارت آخرت مردم مشغول می‌شوند.

در انقلاب آغازین پیامبر، گروهی منافق مکی که شَمّ سیاسی داشتند خود را بر رهبری چسباندند و در نهایت در سقیفه بنی‌ساعده انقلاب پیامبر را مصادره کردند؛ چنان‌که امیرمومنان علی(ع) در نامه خودیش به مالک اشتر می‌نویسد: فَأَنَّ هَذَا الذِّينَ قَدْ كَانُوا اسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يُعَمَّلُ فِيهِ بِالْهَوَى وَ تُكَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا؛ این دین اسیر دست اشترای شد که با هواهای نفسانی عمل می‌کردند و با دین، دنیا می‌جستند.(نهج‌البلاغه، دشتی، ج ۱، ص ۱۰، ۲۴۶)

وقتی با سقیفه روح دین از دین خارج شد، به‌طور طبیعی مردم دنبال سازندگان سقیفه رفتند و مطیع شاهان و دنیا شدند؛ چنان‌که امیرمومنان علی(ع) نیز می‌فرماید: إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَ الدُّنْيَا، مردم با شاهان و دنیا هستند.(نهج‌البلاغه، دشتی، ج ۱، ص ۲۲۰)

منافقان دنبال آن بودند که اسلام ظاهری را جایگزین اسلام حقیقی کنند. آنان چون به وحی اعتقادی نداشته و رسالت و نبوت را منکر بودند، هیچ اعتقادی به توحید و نبوت پیامبر(ص) نداشتند و در عمل مخالف «شهادتین» بودند. پس اگر شهادتین را به زبان جاری می‌کردند، در عمل و فلسفه و سبک زندگی خویش آن را انکار می‌کردند.

نمود تفکرات جاهلی امویان در لباس اسلامی
شاید در شرایط عصر نخست سخت بود که بصراحت به آن جامه عمل بپوشانند، اما پس از گذر زمانی اندک، شرایط در دوره معاویه و یزید به‌گونه‌ای شد که یزید به صراحت می‌گوید: لا خیر جاء ولا وحی نزل؛ نه خبری آمد و نه وحی نازل شد. از نظر یزید، همه این حوادث صدر نخست چیزی جز جنگ قدرت در میان قبائل قریش نبود که در نهایت این‌هاشمی‌ها در می‌یابد و سبک زندگی به نام وحی، حکومت را از آن شکل دهند.

شیعیان علوی در برابر شیعیان سفیانی

از نظر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) امتی که پس از سقیفه بنی ساعده شکل گرفته، امتی مبتلا شده به امامت جور امویان است بنابراین، نیاز است تا با امر به معروف و نهی از منکر و حرکت بر اساس سنت و سیره پیامبر(ص) و امیرمومنان علی(ع) اقدام اصلاحی انجام شود.

می‌بینم دست‌ت می‌بازیم



امام حسین(ع)

و چالش بزرگی

برای نجات اسلام و هدایت انسان‌ها

خود کردند؛ و امروز دوباره بنی امیه توانست به حق خویش برسد و حکومت را در اختیار گیرد. این نگرش که یزید به صراحت از آن یاد می‌کند، در میان منافقان صدر اسلام وجود داشته ولی قدرت ابراز صریح آن را نداشتند؛ اما در شرایطی که یزید در آن می‌زیست انکار صریح وحی و نفی شهادتین

از نظر آن حضرت(ع) در گام نخست باید با حذف امام فاسد و کافر به نام یزید، شرایطی را فراهم آورد که به اصلاح امر خویش بپردازد. پس تا زمانی که در میان منافقان صدر اسلام وجود داشته ولی قدرت ابراز صریح آن را نداشتند؛ اما در شرایطی که یزید در آن می‌زیست انکار صریح وحی و نفی شهادتین

امروز برای تغییر بنیادین لازم است تا با حذف ائمه الکفر و جایگزین کردن امامان عدل، شرایط تغییر یابد و اصلاح در میان امت تحقق پیدا کند. بنابراین، نوک حمله اباعبدالله(ع) در قیام خویش، دست‌گاه باطل و کفر اموی به امامت یزید بود. یزید

در این دوره برخلاف دیگران، نفاق را کنار می‌گذارد و به صراحت از حذف شهادتین سخن می‌گوید تا امتی را ایجاد کند که موافق حکومت جاهلیت عربی باشند. دیگر امام الکفر نفاق را کنار گذاشته و با ظاهر اسلام سخن نمی‌گوید، بلکه در فکر و عمل

به نفی آن چیزی می‌پردازد که خدا و پیامبر(ص) را به نام اسلام معرفی کرده‌اند. او نه تنها به صراحت از نفی وحی و نبوت و رسالت سخن می‌گوید و آن را دروغ حکومت طلبان از بنی‌هاشم می‌داند، بلکه در مقام عمل نیز کاری می‌کند تا سبک زندگی جاهلی

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

MaarefKayhan@Kayhan.ir

بنابراین، مشکلی نیست که حتی با نفی شهادتین، امتی تحت امامت پیشوایی ظالم و منافق قرار گیرد که در اصطلاح قرآنی از آنان به «ائمه الکفر» یاد می‌شود. در این عصر اسلامی، این امه الکفر هستند که امت را مهار و مدیریت و رهبری می‌کنند. بنابراین، امت اسلامی، گرفتار انواع فساد می‌شود که بر خلاف اهداف امت اسلامی الهی ولایی است.

منافقان با عملکرد حذفی خویش توانستند امت اسلام را از درون تهی کرده و امتی با امامتی فاسد شکل دهند.

شیعیان علوی در برابر شیعیان سفیانی

از نظر حضرت اباعبدالله الحسین(ع) امتی که پس از سقیفه بنی ساعده شکل گرفته، امتی مبتلا شده به امامت جور امویان است بنابراین، نیاز است تا با امر به معروف و نهی از منکر و حرکت بر اساس سنت و سیره پیامبر(ص) و امیرمومنان علی(ع) اقدام اصلاحی انجام شود.

اگر اقدامات امام حسین(ع) نبود، دیگر کسی نمی‌توانست جلوی حذف شهادتین را بگیرد و یزید و یزیدیان می‌توانستند به مقاصد شوم و پلید خویش برسند و امت جاهلی را جایگزین امت اسلامی کنند؛ زیرا هیچ کس دیگر نمی‌توانست در برابر یزیدیان بایستد و آنان را از عمل به حذف شهادتین بازدارد. حذف شهادتین به معنای حذف اسلام و جایگزینی جاهلیت عربی بود که هدف منافقان از صدر اسلام تا کنون بوده است.

احیا شود. بر گزاری مجالس رقص و شراب و مانند آنها تنها بخشی از اقدامات عملی برای هنجارشکنی و ارزش زدایی از هنجارها و ارزش‌های اسلامی است. در بسطیاری از مراکز قدرت، نه تنها اسلام و نبوت و رسالت نفی می‌شود، بلکه سنت‌های جاهلی احیا می‌شود و بسطیاری از مردم در شهرها با سبک زندگی وجود داشت که شهادتین به‌ویژه شهادت بر نبوت و رسالت محمدمصطفی(ص) از منابر حذف شود و در ماذنه‌های مساجد دیگر کسی زبان به شهادت رسالت نگشاید.

امام حسین(ع) در این زمان با بسپج شیعیان علوی خویش در قالب حرکت در سیره رسول‌الله(ص) و امیرمومنان علی(ع) اقداماتی را در چارچوب سنت و فریضه امر به معروف و نهی از منکر انجام می‌دهد تا جلوی فساد در امت اسلام گرفته شود و امت به مسیر درست بازگردد.

اگر اقدامات امام حسین(ع) نبود، دیگر کسی نمی‌توانست جلوی حذف شهادتین را بگیرد و یزید و یزیدیان می‌توانستند به مقاصد شوم و پلید خویش برسند و امت جاهلی را جایگزین امت اسلامی کنند؛ زیرا هیچ کس دیگر نمی‌توانست در برابر یزیدیان بایستد و آنان را از عمل به حذف شهادتین بازدارد. حذف شهادتین به معنای حذف اسلام و جایگزینی جاهلیت عربی بود که هدف منافقان از صدر اسلام تا کنون بوده است.

براساس گزارش‌های روایی بسیار از جمله زیارت نامه معتبر عاشورا، شیعیان سفیانی علیه شیعیان علوی صف‌بندی می‌کنند. این صف‌بندی هر چند که در عاشورا بیش‌تر به شکل واضح تری خودنمایی می‌کند، اما این صف‌بندی از همان آغاز اسلام وجود داشته است تا جایی که پیامبر(ص) از شیعه علی(ع) سخن می‌گوید. پس اگر حضرت ابراهیم(ع) شیعه نوح است(صافات، آیه ۸۳)، سلمان‌ها از شیعیان امیرمومنان علی(ع) هستند که در تقابل با شیعیانی قرار می‌گیرند که بعدها به‌عنوان شیعیان سفیانی خوانده می‌شوند. شیعیان سفیانی حکومت ولایی را حذف می‌کنند تا شرایط برای معاویه و یزید فراهم آید و حکومت جاهلی جایگزین حکومت اسلامی‌شود. از نظر آموزه‌های اسلام این تقابل از گذشته تا آینده وجود داشته و وجود خواهد داشت. بنابراین، همان مجاهدان، تابعان، شیعیان سفیانی علیه مجاهدان، تابعان، شیعیان علوی خواهند ایستاد؛ زیرا این دو گروه از شیعیانی یکی تابع امامان معصوم(ع) الهی هستند و آن دیگری تابع امامان کفر شیطانی. یکی براساس ولایت الله و آن دیگری براساس ولایت طاغوت و شیطان. بنابراین، این مسئله دیروز نیست، بلکه مسئله امروز و قرادی امت اسلام نیز است.

پس اگر امام حسین(ع) برای اصلاح امت قیام نکرده بود و دنبال حذف امام کفر یعنی یزید نمی‌رفت، امروز دیگر خبری از امت اسلام نبود؛ زیرا با حذف شهادتین همه جا فساد در اجزای امت رخ می‌کند و اسلام حقیقی گام به گام مواضع خود را از دست می‌دهد.

دشمن سنگر به سنگر پیش می‌آید و امت مومن گام به گام عقب‌نشینی می‌کند. شرایط به‌گونه‌ای رقم می‌خورد که یزید بر آن می‌شود تا آخرین میخ را به تابوت اسلام بزند؛ همان تابوتی که در سقیفه اولین میخ بر آن کوبیده شده بود تا چیزی از اسلام باقی نماند؛ زیرا منافقان براساس برنامه از پیش تعیین شده خود، بر آن بودند تا پس از رحلت رسول‌الله(ص) نه تنها خود به صراحت به جاهلیت بازگردند، بلکه امت را نیز به سوی جاهلیت ببرند.(آل‌عمران، آیه ۱۴۴) اگر دیروز به علت قوت اسلام و مخالفت شدید امیرمومنان علی(ع) دشمنان نتوانستند بودند تا احکام جاهلی را در همه ابعاد جایگزین احکام و حکومت اسلامی‌کنند، اما امروز پس از یک دوره تکتازی‌های معاویه این شرایط فراهم بود تا احکام جاهلی به‌عنوان گفتمان حاکم جایگزین اسلام الهی و احکام آن شود. این‌گونه است

که یزید صریحا از نفی شه‌هادتین سخن می‌گوید و بر آن است تا امت اسلامی را به امت جاهلی تبدیل کند. شیعیان سفیانی در همه نقاط جهان اسلام به شدت با تابعیت از یزید در حال فرهنگ‌سازی بودند همچنان شهادتین بر منابر و ماذنها گفته می‌شود. پس این امام حسین(ع) است که در قیام خویش موفق بوده و توانست به هدف عالی خویش که حفظ اسلام و صیانت از شهادتین بود دست یابد و اجازه ندهد تا یزید و شیعیان سفیانی با حذف شهادتین اسلام را حذف و حکم و حکومت جاهلی را جایگزین آن کنند.

پس این امام حسین(ع) است که در قیام خویش موفق بوده و توانست به هدف عالی خویش که حفظ اسلام و صیانت از شهادتین بود دست یابد و اجازه ندهد تا یزید و شیعیان سفیانی با حذف شهادتین اسلام را حذف و حکم و حکومت جاهلی را جایگزین آن کنند.

پس این امام حسین(ع) است که در قیام خویش موفق بوده و توانست به هدف عالی خویش که حفظ اسلام و صیانت از شهادتین بود دست یابد و اجازه ندهد تا یزید و شیعیان سفیانی با حذف شهادتین اسلام را حذف و حکم و حکومت جاهلی را جایگزین آن کنند.

پس این امام حسین(ع) است که در قیام خویش موفق بوده و توانست به هدف عالی خویش که حفظ اسلام و صیانت از شهادتین بود دست یابد و اجازه ندهد تا یزید و شیعیان سفیانی با حذف شهادتین اسلام را حذف و حکم و حکومت جاهلی را جایگزین آن کنند.

پس این امام حسین(ع) است که در قیام خویش موفق بوده و توانست به هدف عالی خویش که حفظ اسلام و صیانت از شهادتین بود دست یابد و اجازه ندهد تا یزید و شیعیان سفیانی با حذف شهادتین اسلام را حذف و حکم و حکومت جاهلی را جایگزین آن کنند.

صفحه ۶

پنج‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۱

۱۳ محرم ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۰۹۱

چراغ راه
نشانه‌های عالم،انتقادپذیری
واشراف به فنون نظری
قال الامام الحسین(ع): «و من دلائل العالم، انتقادہ لحديثه، و علمه بحقائق فنون النظر.»
امام حسین(ع) فرمود: از نشانه‌های عالم و دانشمند این است که از گفتار خودش انتقاد کند، و از حقایق علوم و فنون نظری آگاه باشد.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹

حکایت خوبان
خضاب کردن، یک تاکتیک جنگی
در برابر دشمنان بود
به امام علی(ع) اعتراض می‌کردند، درباره این حدیث پیامبر(ص) که «غیروا الشیب، و لا تشبهوا بالیهود و النصارى».
علی(ع) خودش این حدیث پیامبر(ص) را روایت می‌کرد ولی عمل نمی‌کردا یعنی خود حضرت رنگ نمی‌بست و خضاب نمی‌کرد!
امام علی(ع) در جواب فرمود: این دستور مخصوص زمان پیامبر(ص) است و این یک تاکتیک جنگی در برابر دشمنان بود که آنها نگویند: یاران پیامبر(ص) یک عده پیر و ناتوان هستند، و در واقع یک حیله جنگی بود که رسول اکرم(ص) به کار می‌برد.^(۱)

۱- الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۹۰

پرسش و پاسخ

چرایی تفاوت سیره امام حسین(ع) با سایر ائمه(ع)
پرسش:
چرا سیره امام حسین(ع) با سایر ائمه اطهار(ع) تا این حد متفاوت و مختلف است، به گونه‌ای که هیچ یک از ائمه(ع) تابع این سیره و روش و منش نبوده‌اند و از سیره و روش و مکتب دیگری پیروی می‌کرده‌اند؟

فلسه تعارض‌ها و تناقض‌های ظاهری رفتار ائمه(ع)
وقتی ما به سیره ائمه اطهار(ع) برای الگوگیری و الهام‌پذیری سبک زندگی مراجعه می‌کنیم، تعارض‌ها و تناقض‌های ظاهری زیادی را ملاحظه می‌کنیم؟ از طرفی چون ما معتقدیم آن بزرگواران معصوم هستند، بنابراین قول و فعل و تقریرشان برای ما حجت به حساب می‌آید، و باید از سیره نظری و عملی آن اسوه‌های زندگی تبعیت کنیم، اما نمی‌دانیم کدام سیره و سبک زندگی را انتخاب کنیم؟! به عنوان مثال؛ پیامبر اکرم(ص) و امام علی(ع) فقیرانه زندگی می‌کردند و نان جو می‌خوردند و لباس و سفاردر می‌پوشیدند، اما امام حسن مجتبی(ع) و امام صادق(ع) و امام رضا(ع) را می‌بینیم که فقیرانه زندگی نمی‌کردند و غذای خوب می‌خوردند و جامه خوب می‌پوشیدند و مرکب خوب سوار می‌شدند و از طبیعت دنیا استفاده بهینه می‌کردند. امام صادق(ع) وقتی به خانه شخصی می‌رود و می‌بیند آن شخص خانه کوچکی دارد، با اینکه متمکن است حضرت می‌فرماید: چرا خانه وسیع‌تری برای خود تهیه نمی‌کنی؟ می‌گوید: این خانه، خانه پدری من است، پدر در اینجا زندگی می‌کرده است، حضرت می‌فرماید: شاید پدرت شعور نداشت، آیا تو هم باید مثل او شعور نداشت باشی؟! تو می‌خواهی یک عمر (توانی) بی‌شعوری پدرت را بدهی؟! (سیری در سیره ائمه اطهار، شهید مطهری، ج ۱۵) آری این تعارضات است که در ظاهر مخالف یکدیگر شمرده می‌شود، و به اعتقاد برخی یک نقطه ضف در تشبیع به حساب می‌آید؛ اما از منظری دیگر این اختلافات نه تنها نقطه ضعف محسوب نمی‌شود، بلکه نقطه قوت شیعه در همین است. ما اگر یک پیشوا معصوم داشته باشیم که تا ۳۰ سال در میان ما باشد و یا یک پیشوا داشته باشیم که تا ۲۵ سال در میان ما باشد، قدر مسلم انسان ۲۵۰ ساله معصوم که تحولات و تغییرات و بیج و خجهای مختلفی را در انبان تجربه خود دارد، برای الگوگیری و مناسبت‌پرستی است. چرا که دنیای ما متغیر است و مقتضیات زمان دائماً تحول پیدا می‌کند. بنابراین ما با دانشسن ائمه اطهار معصوم ۲۵۰ ساله بهتر می‌توانیم با الهام‌گیری از سیره آن بزرگواران، بر مشکلات زمانه و پیچیدگی‌ها و سختی‌ها غلبه کنیم، و دچار جمود و تبحر و تسلب نشویم!

مقتضیات زمان و انتخاب سیره مناسب

در سیره پیشوایان دینی شکی نیست، که آن بزرگواران هر کدام در زمانی خاص بوده‌اند، و زمان و محیط آنها اقتضائاتی را داشته است، و هر فرد ناچار است که از مقتضیات زمان و مکان خود پیروی کند. یعنی دین نسبت به مقتضیات زمان مردم را آزاد گذاشته و کشیش‌های و متصلبانه و متحجرانه برخورد نکرده است. حال در زمینه تعدد پیشوایان معصوم و با طول عمر یک پیشوا است می‌تواند، روح تعلیمات دینی را از آنچه که مربوط به مقتضیات عصر و زمان است، تشخیص دهد، و تعدد سیره‌های متعارض هم براساس همین مقتضیات عصر و زمان و مکان بوده است. بنابراین یکی از طرق حل تعارضاتی که در سیره‌های مختلف ائمه اطهار(ع) است، به اصلاح حل عرفی و جمع عرفی است که از راه اختلاف مقتضیات عصر و زمان و مکان به انتخاب راهبردهای مناسب دسترسی پیدا خواهند کرد. حتی در حل تعارضات قولی نیز این طریق را می‌توان به کار برد.

لزوم مراعات اصول در هر زمان

آنچه دستور اسلام است، همدردی، مواسات، مساوات، عدل و انصاف و روش نرم و ملایم است. این اصول روح تعلیمات دین و دستورههای کلی الهی است، که به هیچ وجه قابل تغییر و تبدیل نیست، و ناشی از مصالح کلی و عالی بشریت است، تا انسان بما هو انسان هست، این اصول و دستورات هم هست، و انسان برای رسیدن به مراحل رشد و تعالی باید این اصول را رعایت کند.

سلوک عارفانه

اقامه معروف و دفع منکر

سیدالشهدا(ع) از همان روز اول که قیام کردند، برای این امر انگیزه‌های اقامه عدل بود، فرمودند: می‌بینید که معروف، عمل به آن نمی‌شود و منکر به آن عمل می‌شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد. انحرافات همه از منکرات است. جز خط مستقیم توحید، هرچه هست منکرات است، اینها باید از بین برود.^(۱)

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱

صفحه معارف روز‌های : شنبه ، یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱-۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۰۲۱-۲۳۲۲۰۲۳۲
MaarefKayhan@Kayhan.ir